



# مبانی فقهی اقتصاد اسلامی

(رشته اقتصاد)

دکتر هادی غفاری علی یونسی

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

**کتاب درسی** ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

**متن آزمایشگاهی** (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

**کتاب‌های فرادرسی** (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی



## فهرست

یازده

۱

۲

۲

۲

۲

۲

۳

۵

۵

۸

۹

۹

۱۰

۱۰

۱۱

۱۱

۱۲

۱۳

۱۵

۱۵

۱۶

۱۶

۱۷

۱۷

۱۷

۱۸

پیشگفتار

فصل اول- کلیات

۱-۱ تعریف قاعده فقهی

۲-۱ تعریف مسئله فقهی

۳-۱ تعریف مسئله اصولی

۴-۱ منابع قواعد فقهی

۱-۴-۱ قرآن

۲-۴-۱ سنت

۳-۴-۱ اجماع

۴-۴-۱ عقل

۵-۱ روش استنباط احکام

۶-۱ تعریف اجتهاد

۷-۱ ضرورت اجتهاد

۸-۱ ضرورت تقلید

۹-۱ ضرورت و نتایج بحث در قواعد فقهی

۱۰-۱ اهداف قواعد فقهی

۱۱-۱ تاریخ تکوین، تدوین و تحول قواعد فقهی

۱-۱۱-۱ فقه تشیع

۲-۱۱-۱ فقه تسنن

۱۲-۱ ویژگی های قواعد فقهی

۱۳-۱ مکتب اقتصادی

۱۴-۱ حقوق اقتصادی

۱۵-۱ نظام اقتصادی

۱۶-۱ اقتصاد اسلامی

۱۷-۱ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی

۱۸-۱ حقوق اقتصادی و رابطه آن با مبانی فقهی اقتصاد اسلامی

۱۹-۱ خلاصه فصل

## فصل دوم- قواعد معروف فقهی

|    |                                                 |
|----|-------------------------------------------------|
| ۲۵ | ۱-۲ مقدمه                                       |
| ۲۶ | ۲-۲ انواع قواعد فقهی                            |
| ۲۶ | ۱-۲-۲ قواعد فقهی عام                            |
| ۲۷ | ۲-۲-۲ قواعد فقهی خاص                            |
| ۲۷ | ۳-۲ نقش قواعد فقهی در اقتصاد                    |
| ۲۸ | ۴-۲ قاعده اتلاف و تسبیب                         |
| ۳۰ | ۵-۲ قاعده اجاره                                 |
| ۳۱ | ۶-۲ قاعده احترام                                |
| ۳۲ | ۷-۲ فرق قاعده احترام و قاعده اتلاف              |
| ۳۳ | ۸-۲ قاعده احسان                                 |
| ۳۴ | ۹-۲ ایرادی بر قاعده احسان و پاسخ آن             |
| ۳۵ | ۱۰-۲ گرفتن اجرت در برابر احسان                  |
| ۳۵ | ۱۱-۲ قاعده استصلاح                              |
| ۳۶ | ۱۲-۲ قاعده استیمان                              |
| ۳۸ | ۱۳-۲ قاعده اقدام                                |
| ۳۹ | ۱۴-۲ قاعده اقرار                                |
| ۴۲ | ۱۵-۲ قاعده المومنون عند شروطهم                  |
| ۴۳ | ۱۶-۲ قاعده بینه بر مدعی و سوگند بر منکر         |
| ۴۵ | ۱۷-۲ قاعده تبعیت عقود از قصود                   |
| ۴۶ | ۱۸-۲ قاعده تحذیر                                |
| ۴۷ | ۱۹-۲ قاعده تسلط                                 |
| ۵۲ | ۲۰-۲ قاعده تلف مبیع قبل از قبض                  |
| ۵۳ | ۲۱-۲ قاعده جَبّ                                 |
| ۵۴ | ۲۲-۲ قاعده حیازت                                |
| ۵۷ | ۲۳-۲ قاعده سوق                                  |
| ۵۸ | ۲۴-۲ قاعده شرط فاسد                             |
| ۶۰ | ۲۵-۲ قاعده ضمان ید (قاعده علی الید)             |
| ۶۱ | ۲۶-۲ فرق قاعده ضمان ید با قاعده اتلاف و تسبیب   |
| ۶۱ | ۲۷-۲ قاعده غرر                                  |
| ۶۴ | ۲۸-۲ قاعده غرور                                 |
| ۶۶ | ۲۹-۲ قاعده قرعه                                 |
| ۶۹ | ۳۰-۲ قاعده لاحرج (قاعده نفی عُسر و حرج)         |
| ۷۲ | ۳۱-۲ قاعده لاضرر                                |
| ۷۴ | ۳۲-۲ ارتباط قاعده لاضرر و تسلط                  |
| ۷۵ | ۳۳-۲ قاعده لزوم                                 |
| ۷۹ | ۳۴-۲ قاعده ملازمه اذن در شیء با اذن در لوازم آن |
| ۸۰ | ۳۵-۲ قاعده میسور                                |
| ۸۲ | ۳۶-۲ قاعده نفی سبیل                             |
| ۸۳ | ۳۷-۲ قاعده ید                                   |
| ۸۴ | ۳۸-۲ خلاصه                                      |

|     |                                   |
|-----|-----------------------------------|
| ۹۳  | فصل سوم- حق و مالکیت              |
| ۹۳  | ۱-۳ مقدمه                         |
| ۹۴  | ۲-۳ تعریف مال و مالیت             |
| ۹۴  | ۳-۳ انواع مال                     |
| ۹۵  | ۴-۳ تعریف حق و انواع آن           |
| ۹۶  | ۵-۳ تعریف مالکیت و انواع آن       |
| ۹۶  | ۶-۳ مقایسه بین مال و ملک          |
| ۹۶  | ۷-۳ انواع مالکیت                  |
| ۹۶  | ۱-۷-۳ مالکیت حقیقی                |
| ۹۶  | ۲-۷-۳ مالکیت اعتباری              |
| ۱۰۹ | ۸-۳ راه‌های تحصیل مالکیت          |
| ۱۰۹ | ۱-۸-۳ اسباب قانونی تحصیل مالکیت   |
| ۱۱۲ | ۲-۸-۳ اسباب قانونی انتقال مالکیت  |
| ۱۱۲ | ۳-۸-۳ اسباب قهری انتقال مالکیت    |
| ۱۲۱ | ۴-۸-۳ اسباب ارادی انتقال مالکیت   |
| ۱۲۲ | ۵-۸-۳ اسباب اقتصادی انتقال مالکیت |
| ۱۲۲ | ۶-۸-۳ اسباب سیاسی انتقال مالکیت   |
| ۱۲۳ | ۷-۸-۳ اسباب اعتقادی انتقال مالکیت |
| ۱۲۳ | ۹-۳ محدودیت‌های مالکیت            |
| ۱۲۶ | ۱۰-۳ خلاصه                        |
| ۱۲۷ | ۱۱-۳ خودآزمایی                    |

|     |                                                         |
|-----|---------------------------------------------------------|
| ۱۳۱ | فصل چهارم- اقتصاد بازرگانی؛ عقود اسلامی و قواعد فقهی آن |
| ۱۳۲ | ۱-۴ مقدمه                                               |
| ۱۳۳ | ۲-۴ عقود اسلامی در اقتصاد بازرگانی                      |
| ۱۳۳ | ۳-۴ کلیات مشترک قراردادهای اقتصادی                      |
| ۱۳۴ | ۱-۳-۴ امضایی بودن قراردادها                             |
| ۱۳۵ | ۲-۳-۴ قراردادهای جدید در کنار عقود معین                 |
| ۱۳۵ | ۳-۳-۴ ایجاب و قبول                                      |
| ۱۳۵ | ۴-۳-۴ خصوصیات لازم در طرفین قرارداد                     |
| ۱۳۸ | ۵-۳-۴ لزوم و جواز قراردادها                             |
| ۱۳۹ | ۶-۳-۴ مبانی فقهی لازم‌الاجرا بودن قراردادها             |
| ۱۴۰ | ۷-۳-۴ شرط ضمن عقد                                       |
| ۱۴۰ | ۸-۳-۴ اقسام شرط و آثار حقوقی آن‌ها                      |
| ۱۴۲ | ۹-۳-۴ شرط‌های باطل                                      |
| ۱۴۴ | ۱۰-۳-۴ اختیارات                                         |
| ۱۴۷ | ۴-۴ مشروعیت سود در بازرگانی و تجارت                     |
| ۱۴۸ | ۵-۴ عقود معین اقتصادی                                   |
| ۱۴۹ | ۱-۵-۴ قرارداد خرید و فروش (بیع)                         |
| ۱۸۰ | ۲-۵-۴ قرارداد اجاره                                     |
| ۱۸۷ | ۳-۵-۴ قرارداد جعاله                                     |

|     |                                  |
|-----|----------------------------------|
| ۱۹۲ | ۴-۵-۴ قرارداد مضاربه             |
| ۲۰۴ | ۴-۵-۵ قرارداد شرکت و تعاونی‌ها   |
| ۲۱۱ | ۴-۵-۶ قرارداد حواله              |
| ۲۱۳ | ۴-۵-۷ قرارداد ضمان               |
| ۲۱۸ | ۴-۵-۸ قرارداد قرض                |
| ۲۲۳ | ۴-۵-۹ قرارداد اجاره به شرط تملیک |
| ۲۲۵ | ۴-۵-۱۰ قرارداد رهن               |
| ۲۲۷ | ۴-۵-۱۱ معاملات ربوی              |
| ۲۳۷ | ۴-۶ خلاصه                        |
| ۲۴۲ | ۴-۷ خودآزمایی                    |

## فصل پنجم- اقتصاد کشاورزی؛ عقود اسلامی و قواعد فقهی آن

|     |                                       |
|-----|---------------------------------------|
| ۲۴۵ | ۱-۵ مقدمه                             |
| ۲۴۷ | ۵-۲ قرارداد مزارعه                    |
| ۲۴۷ | ۵-۲-۱ شرایط مزارعه                    |
| ۲۵۰ | ۵-۲-۲ احکام مزارعه                    |
| ۲۵۲ | ۵-۲-۳ قرارداد مزارعه در بانک‌های کشور |
| ۲۵۳ | ۵-۳ قرارداد مساقات                    |
| ۲۵۴ | ۵-۳-۱ شرایط مساقات                    |
| ۲۵۷ | ۵-۳-۲ احکام مساقات                    |
| ۲۵۸ | ۵-۳-۳ قرارداد مساقات در بانک‌های کشور |
| ۲۶۰ | ۵-۴ خلاصه                             |
| ۲۶۱ | ۵-۵ خودآزمایی                         |

## فصل ششم- اقتصاد خانواده و قواعد فقهی آن

|     |                                            |
|-----|--------------------------------------------|
| ۲۶۳ | ۱-۶ مقدمه                                  |
| ۲۶۴ | ۶-۲ قواعد فقهی مربوط به اقتصاد خانواده     |
| ۲۶۵ | ۶-۳ ارکان اقتصاد خانواده                   |
| ۲۶۶ | ۶-۳-۱ درآمدهای خانواده                     |
| ۲۶۷ | ۶-۳-۲ هزینه‌های خانواده                    |
| ۲۸۴ | ۶-۴ حداکثر کردن مطلوبیت خانواده            |
| ۲۸۵ | ۶-۵ حداقل سازی هزینه خانواده               |
| ۲۸۷ | ۶-۶ ارتباط خانواده با سایر واحدهای اقتصادی |
| ۲۸۹ | ۶-۷ فرزندان و اقتصاد خانواده               |
| ۲۹۰ | ۶-۸ پیامبر و اقتصاد خانواده                |
| ۲۹۲ | ۶-۸-۱ منابع درآمدی حضرت                    |
| ۲۹۲ | ۶-۸-۲ هزینه‌های زندگی حضرت                 |
| ۲۹۴ | ۶-۹ خلاصه                                  |
| ۲۹۶ | ۶-۱۰ خودآزمایی                             |

## فصل هفتم- اقتصاد بخش عمومی و اجتماعی و قواعد فقهی آن

|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۲۹۹ | ۱-۷ مقدمه                     |
| ۳۰۰ | ۷-۲ اهداف و وظایف دولت اسلامی |

|     |                                             |
|-----|---------------------------------------------|
| ۳۰۰ | ۱-۲-۷ عدالت اجتماعی و اقتصادی               |
| ۳۰۵ | ۲-۲-۷ رشد و توسعه                           |
| ۳۰۷ | ۳-۲-۷ تأمین اقتصادی و اجتماعی               |
| ۳۱۰ | ۴-۲-۷ رفاه عمومی                            |
| ۳۱۰ | ۵-۲-۷ استقلال اقتصادی و عدم وابستگی         |
| ۳۱۲ | ۶-۲-۷ امنیت اجتماعی و اقتصادی               |
| ۳۱۳ | ۳-۷ منابع درآمدی دولت اسلامی                |
| ۳۱۳ | ۱-۳-۷ درآمدهای مالیاتی                      |
| ۳۲۱ | ۲-۳-۷ درآمدهای غیر مالیاتی                  |
| ۳۳۰ | ۴-۷ هزینه‌های دولت اسلامی                   |
| ۳۳۰ | ۱-۴-۷ مفاهیم مرتبط با هزینه‌های دولت اسلامی |
| ۳۳۱ | ۲-۴-۷ انواع هزینه‌های دولت اسلامی           |
| ۳۳۷ | ۵-۷ خلاصه                                   |
| ۳۳۹ | ۶-۷ خودآزمایی                               |
| ۳۴۳ | پاسخ خودآزمایی‌ها                           |
| ۳۴۶ | کتابنامه                                    |





## پیشگفتار

کتابی که پیش رو دارید، حاصل سالیان متمادی تجربه، تحقیق، مطالعه و تدریس درس مبانی فقهی اقتصاد اسلامی در دانشگاه پیام نور می باشد. این کتاب به طور خاص، ویژه دانشجویان رشته اقتصاد دانشگاه پیام نور طراحی شده است اما برای دانشجویان علاقه مند به این مباحث در دوره های بالاتر و همچنین داوطلبین آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه های کشور نیز مفید خواهد بود.

گفتنی است که به کارگیری شیوه آموزش از دور در رشته های علوم انسانی، گرچه ممکن است در ابتدای امر، کاری آسان و خالی از اشکال به نظر برسد، اما در دروس رشته اقتصاد که مبانی فقهی اقتصاد اسلامی بخشی از آن را تشکیل می دهد وضعیت بدین منوال نیست. از این رو فراهم آوردن متنی که دانشجو خود قادر باشد به یادگیری آن پردازد، جای تأمل دارد. با این وجود مؤلفین کوشیده اند تا سرحد امکان مطالب را با بیانی ساده و شیوا که در خور فهم دانشجویان باشد در دسترس آنان قرار دهند.

یکی از عمده ترین مباحث روز اقتصاد، تصمیم گیری و تطبیق دستورات دینی با مقتضیات زمان است. هر مکتب اقتصادی به عنوان یک زیربنا، دارای روبنایی است به نام حقوق اقتصادی. حقوق اقتصادی، مجموعه ای از احکام و مقررات اقتصادی در هر کشور است که جهت تسهیل در امور بر اساس مکتب اقتصادی تدوین می شود. مکتب اقتصادی اسلام برای استخراج این حقوق از قواعد فقهی استفاده می نماید. بنابر این

قواعد فقهی، دستورات و بنیان‌های کلی هستند که از ادله شرعیه استخراج و استنباط گردیده و مبنای قوانین متعدد هر مکتب و نظام الهی می‌باشند.

فقه پویای اسلامی، در طی قرون گذشته همواره در پی این بوده است که نه تنها خود را با مقتضیات زمان هماهنگ نماید، بلکه به مدد اجتهاد و فتوی که شاخصه بارز فقه اسلامی است، بتواند پاسخگوی نیازهای پیشرفته و مدرن بشری باشد. پدیده‌های نو ظهوری که از لوازم اجتناب‌ناپذیر و ضروری زندگی امروزی است و بایستی با موازین اسلامی و اصول ثابت اخلاق اسلامی منطبق گردد، وظیفه سنگینی را به دوش فقها گذاشته است. پیدایش حقوقی همچون، حق مولف و کپی رایت (حق مالکیت)، جرایم اینترنتی، استفاده از اینترنت برای انجام معاملات، و ... از جمله مسائلی است که در یکی دو قرن اخیر تحت عنوان «عقود مستحدثه» یا «مسائل مستحدثه» مورد بحث و بررسی فقها و حقوقدانان قرار گرفته است.

در تألیف این کتاب علاوه بر این که تلاش شده از منابع اولیه مبانی فقهی اقتصاد اسلامی استفاده شود توجه به مباحث جدید و منابع متناسب با مقتضیات زمان فراموش نشده و به فراخور نیاز مباحث روز اقتصاد در فصل‌های مختلف گنجانیده شده است. این کتاب در هفت فصل طراحی شده است و در نوع خود از نظر پوشش مباحث مبانی فقهی اقتصاد اسلامی کم نظیر است. در تقسیم‌بندی فصول کتاب، ضمن حفظ ارتباط مباحث، از کامل بودن مطالب غافل نبوده و مطالب مورد نیاز دانشجویان به بهانه حجم زیاد کتاب حذف نشده است.

فصل اول کتاب به کلیات مبانی فقهی اقتصاد اسلامی اختصاص داده شده است. در این فصل دانشجویان با تعریف مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، منابع استخراج قواعد فقهی و فقه تشیع و تسنن آشنا می‌شوند. بیان و توضیح مبسوط انواع قواعد فقهی اقتصاد اسلامی در فصل دوم ارائه شده است. به جرأت می‌توان گفت، تمامی قواعد فقهی اقتصاد اسلامی در این فصل ذکر شده است و اگر قاعده فقهی به نظر خوانندگان محترم برسد که در این فصل نباشد، می‌تواند به دلیل عدم ارتباط آن با مباحث اقتصادی باشد.

در فصل سوم کتاب، مطالب جامع و کاملی از مباحث حق و مالکیت به استحضار دانشجویان محترم می‌رسد. فصل چهارم با عنوان اقتصاد بازرگانی، عقود

اسلامی و قواعد فقهی آن به قراردادهای اقتصادی مرتبط اختصاص دارد. در این فصل دانشجو با قراردادهایی که در اقتصاد اسلامی برای برقراری معاملات و توسعه کسب و کار استفاده می‌شود آشنا می‌گردد.

فصل پنجم کتاب به مباحث مرتبط با اقتصاد کشاورزی و عقود اسلامی آن اختصاص داده شده است. دانشجو در این فصل با انواع قراردادهای کشاورزی مانند مساقات، مزارعه و ... آشنا می‌گردد. اقتصاد خانواده به عنوان بحثی جدید در فصل ششم گنجانده شده است. با توجه به نقش خانواده در تمامی ابعاد جامعه این فصل نگاهی اقتصادی به خانواده و اعضای آن دارد.

فصل هفتم به مباحث مربوط به دولت و اقتصاد بخش عمومی می‌پردازد. نقش و وظایف دولت در این فصل بیان شده و منابع درآمدی و هزینه‌های آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

طراحی کتاب به گونه‌ای است که توالی فصل‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، لذا توصیه می‌شود قبل از مطالعه فصل‌های اولیه از مطالعه سایر فصول خودداری شود. در خاتمه از اساتید محترم و صاحب‌نظران انتظار دارد، نواقص و نارسایی‌های این اثر را با راهنمایی‌ها و ارشادات عالمانه خویش تذکر داده و مؤلفین را مرهون عنایات و الطاف خویش سازند.

## راهنمای مطالعه کتاب

### دانشجوی گرامی

۱. ابتدا هدف‌های رفتاری هر فصل را مطالعه کنید. مطالعه این هدف‌ها به شما کمک می‌کند که بدانید پس از پایان هر فصل در اطلاعات و معلومات شما چه تغییری باید به وجود آمده باشد.

۲. ممکن است فهم هدف‌های رفتاری پیش از آشنایی به محتوای درس برای شما دشوار باشد، در این صورت می‌توانید هدف‌ها را یک بار بخوانید و در حین خواندن درس دوباره به فهرست هدف‌های رفتاری مراجعه کنید.

۳. پس از مطالعه مقدماتی، با در نظر گرفتن هدف‌های رفتاری یک بار دیگر متن را با دقت مطالعه کنید.

۴. قبل از پایان هر فصل خلاصه فصل‌ها و خودآزمایی گنجانیده شده است. توصیه می‌شود ابتدا خلاصه فصول را با دقت بخوانید و آن گاه به آزمون‌ها پاسخ دهید و یا پاسخ‌های خود را با پاسخ‌ها و مطالب کتاب مقایسه کنید.

۵. به این ترتیب میزان یادگیری و پیشرفت خود را ارزشیابی و، در صورت لزوم، برای رفع اشکال، مطالعه خود را تکرار می‌کنید.

### هدف کلی کتاب:

آشنایی با مهم‌ترین قواعد فقهی اقتصاد اسلامی و کاربرد آن‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی از عمده‌ترین اهداف این کتاب است. این مهم است که دانشجویان رشته اقتصاد و علاقه‌مندان به مباحث فقهی بدانند تعریف مبانی فقهی چیست، چگونه استخراج می‌شوند و در کجا کاربرد دارند.

این کتاب آشنا نمودن دانشجویان را با مبانی و بنیادهای اولیه اقتصاد اسلامی، از اهداف مهم خود می‌داند و سعی دارد دانشجویان پس از مطالعه کتاب در هر فعالیت اقتصادی به مجاز و حلال بودن آن فعالیت حساسیت پیدا کنند و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، شاخص‌های اسلامی که بر گرفته از مبانی فقهی است را ملاک عمل قرار دهند.

اسلامی نمودن تفکر و ذهنیت آینده‌سازان جمهوری اسلامی ایران و نیروی انسانی ماهر که همانا دانشجویان هستند از دیگر اهداف مهم این اثر به‌شمار می‌آید.

# فصل اول

## کلیات

### هدف کلی

دانشجو پس از مطالعه این فصل با مفهوم قواعد فقهی و برخی تعاریف مرتبط با آن آشنا می‌شود.

### هدف‌های رفتاری

انتظار این است که دانشجو پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. قاعده فقهی را تعریف نماید.
۲. مسئله فقهی را توضیح دهد.
۳. مسئله اصولی را تعریف نماید.
۴. با منابع قواعد فقهی آشنا شود.
۵. روش استنباط احکام را شرح دهد.
۶. ضرورت تقلید را توضیح دهد.
۷. در مورد دلایل و نتایج بحث پیرامون قواعد فقهی توضیح دهد.
۸. تاریخ تکوین، تدوین و تحول قواعد فقهی را بیان کند.
۹. فقه تشیع و تسنن را از یکدیگر تمیز دهد.
۱۰. ویژگی‌های قواعد فقهی را بیان کند.
۱۱. مکتب اقتصادی، حقوق اقتصادی و نظام اقتصادی را بشناسد و از هم تفکیک نماید.
۱۲. مفهوم مبانی فقهی اقتصاد اسلامی را توضیح دهد.

### ۱-۱ تعریف قاعده فقهی

قواعد فقهی، دستورات و بنیان‌های کلی هستند که از ادله شرعیه استخراج و استنباط گردیده و مبنای قوانین متعدد هر مکتب و نظام الهی می‌باشند.

### ۲-۱ تعریف مسئله فقهی

مسئله فقهی عبارت است از بیان حکم کاری که مکلف باید انجام دهد و یا نباید انجام دهد (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۴). در تفاوت قاعده فقهی و مسئله فقهی باید گفت قاعده فقهی حکمی است کلی و مسئله فقهی حکمی است خاص. یعنی ما انجام دادن یا انجام ندادن یک مسئله فقهی را با کمک قاعده فقهی کشف می‌کنیم.

### ۳-۱ تعریف مسئله اصولی

مسئله اصولی قاعده‌ای است کلی که برای رفع نیاز فقیه در تشخیص تکالیف مکلفان آماده و فراهم شده باشد (همان: ۱۵). تمام مسائل جزئی که یک مکلف در هر زمین‌های باید به آن عمل کند با کمک مسئله اصولی که از قبل وجود دارد مشخص می‌گردد.

### ۴-۱ منابع قواعد فقهی

اینکه قواعد فقهی از چه منابعی استخراج می‌شوند و چقدر می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد حائز اهمیت است. لذا قبل از آشنایی با قواعد فقهی ضروری است تا نسبت به منبع پیدایش قواعد اطلاعات لازم را کسب کنیم. منابع استخراج قواعد فقهی از دیدگاه فقهای امامیه چهار چیز است: قرآن، سنت، عقل، اجماع.

### ۱-۴-۱ قرآن

گفته مشهور بین مورخان نشان می‌دهد در زمان حیات پیامبر (ص) و حتی چند سال پس از آن قرآن به صورت نوشته و در دست مردم نبوده است. بیشتر مسلمانان بی‌سواد بوده‌اند و به گاه ضرورت یا تمایل به دانستن قرآن به مسجد پیغمبر می‌رفتند و رسول خدا بر آن‌ها قرآن می‌خواند و آن‌ها می‌شنیدند. برخی که دارای حافظه قوی بودند قسمت‌هایی از قرآن را حفظ می‌کردند و حتی افرادی پیدا شدند که تمام قرآن را از برداشتند.



پس از وفات حضرت محمد (ص) شورش‌های متعددی برپا شد که خلیفه اول ناچار به جنگ شد. در این جنگ‌ها و بخصوص در جنگ «یمامه» تعداد بسیاری از حافظان و قاریان کشته شدند. این امر یاران پیامبر (ص) را نگران ساخت که مبادا با کشته شدن حافظان قرآن در این جنگ‌ها در آینده قرآن دستخوش کم و زیاد و اختلاف گردد. از آن میان عمر بن خطاب به ابوبکر، که در آن وقت خلیفه بود، پیشنهاد کرد که قرآن جمع‌آوری و نوشته شود و به صورت کتابی تدوین گردد. ابوبکر ابتدا با این پیشنهاد مخالفت کرد ولی سرانجام بر اثر اصرار و استدلال عمر و صلاح‌دید بزرگان اصحاب پیامبر (ص) قانع می‌شود و به زیدبن ثابت که یکی از نویسندگان وحی بوده و تمام قرآن را از برداشته مأموریت می‌دهد که قرآن را کتابت کند.

ولی در تفسیر نمونه آمده است که مدارک و شواهدی در دست است که قرآن در زمان پیغمبر و به فرمان او، و به وسیله حضرت علی (ع)، و به همین صورت گرد آمده است (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

به هر حال با استناد به آیه ۹ سوره حجر که می‌فرماید: «به راستی ما قرآن را نازل نمودیم و ما آن را نگهداریم و حافظ خواهیم بود» و یا آیه ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت که می‌فرماید: «و به راستی این کتابی است شکست‌ناپذیر که هیچ گونه باطلی نه از پیش رو و نه از پشت سر به سراغ آن نمی‌آید، زیرا از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است» می‌توان دریافت که قرآن کتابی است تحریف نشده و از سوی خداوند که برای راهنمایی بشر نازل شده است و می‌توان بسیاری از نیازهای فقهی مربوط به زندگی بشر را از آن استخراج نمود. علاوه بر این اکثر قریب به اتفاق مسلمانان اعتقاد دارند که جمله‌ای و حرفی به قرآن مجید افزوده و یا کاسته نشده است. لذا قرآن حجت است و می‌توان به آن استناد کرد و احکام خدا را از آن استخراج نمود (محمودی، ۱۳۷۹: ۵۳).

#### ۱-۴-۲ سنت

واژه سنت در اصطلاح شیعه عبارت است از قول، فعل و یا تقریر پیامبر (ص) و دیگر معصومان (ع) که در ادامه به توضیح هر یک از مصادیق آن می‌پردازیم.

**قول:** عبارت است از گفتار و الفاظ صادر از معصوم (ع) که اصطلاحاً به این گونه سنت، حدیث اطلاق می‌شود.

**فعل:** مقصود از فعل عمل معصوم است که از آن، حکم خدا کشف می‌شود. زیرا معصوم (ع) عاری از گناه و خطا نمی‌باشد.

**تقریر:** یعنی سکوت یا عدم مخالفت با کاری که در حضور معصوم (ع) انجام می‌شود.

تقریر معصوم در صورتی دلیل و مدرک حکمی به‌شمار می‌رود که دارای شرایط زیر باشد:

۱. عمل یا بیان حکم فقهی در حضور معصوم (ع) انجام گیرد، نه در غیاب او.
  ۲. امکان ردع و منع برای او وجود داشته باشد؛ یعنی در صورت خطا بودن فعل یا حکم مزبور، آن حضرت بتواند شخص را متوجه خطایش بنماید. مثلاً در شرایط اضطراری مانند تقیه نباشد که نتواند او را نسبت به اشتباهش آگاه کند.
  ۳. کاری که انجام می‌شود و یا حکمی که بیان می‌گردد، در ارتباط با تشریع و قانون‌گذاری باشد.
  ۴. انکار و منعی از جانب معصوم (ع) صورت نگیرد.
- در زمان ما دستیابی به سنت تنها از طریق خبر و روایت انجام می‌پذیرد. بدین‌صورت که قول، فعل و تقریر معصوم (ع) از طریق نقل آن بوسیله شخص یا اشخاص به ما می‌رسد.

### اقسام خبر

خبر و یا روایت را می‌توان از جهتی به مسند و مرسل و از جهت دیگر به واحد و متواتر تقسیم نمود.

**خبر مسند:** به خبری گفته می‌شود که با ذکر سلسله سند از معصومی نقل شود، به‌طوری‌که تمام راویان آن خبر، ذکر شده باشد.

**خبر مرسل:** در مقابل خبر مسند نمی‌باشد و آن خبری است که بدون ذکر سلسله سند و یا با حذف یک یا چند نفر از راویان آن، نقل شده باشد.

**خبر متواتر:** در اصطلاح به روایتی گویند که عدّه بسیار زیادی آنرا از راه‌های فراوان نقل کرده باشند، به‌طوری‌که عادتاً تبانی راویان آن در هر دوره بر کذب محال باشد، بگونه‌ای که بتوان از کثرت نقل آن، یقین به صدور آن روایت از معصوم (ع) پیدا نمود. مانند حدیث «هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست».

**خبر واحد:** در مقابل خبر متواتر نمی‌باشد و آن عبارت از خبری است که از یک یا چند طریق نقل شده، ولی به حد تواتر نرسیده باشد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ۵۷).

### ۱-۴-۳ اجماع

عبارت است از اتفاق نظر همه فقهای امامیه در یک حکم شرعی به گونه‌ای که نشان از موافقت معصوم با آن حکم باشد (محمودی، ۱۳۷۹: ۵۶).

اجماع در نظر فقهاء امامیه، به‌عنوان یک منبع اصلی برای کشف احکام شرع محسوب نمی‌شود. زیرا نظر هر یک از فقهاء با احتمال خطا همراه است و اجماع آنان نیز به خودی خود خالی از احتمال خطا نیست و اعتباری ندارد، بلکه ارزش و اعتبار اجماع به جهت کاشفیت آن از نظر معصوم (ع) است؛ به این معنی که وقتی فقهاء بر حکمی اتفاق نظر داشتند، نشانگر این است که نظر معصوم (ع) نیز همین بوده و گر نه چنین اجماعی محقق نمی‌شد.

بنابراین نمی‌توان اجماع را به‌عنوان منبع مستقلی در کنار کتاب و سنت دانست بلکه منبع فرعی بشمار می‌رود.

همچنین، اجماع در صورتی حجت است که مبتنی بر مدرک نباشد. یعنی مستند به دلیلی از کتاب یا سنت نباشد. زیرا در این صورت باید دید آن مدرک که مستند فقهاء بوده، قابل قبول است یا خیر، که بدین ترتیب اجماع بخودی خود فاقد ارزش خواهد بود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ۶۰).

### ۱-۴-۴ عقل

عبارت است از نیرویی که می‌تواند قضایای کلی را درک کند و بر اساس مشاهدات تصمیم‌گیری نماید (محمودی، ۱۳۷۹: ۶۱).

منبع بودن عقل برای احکام و حقوق اسلامی به دو صورت قابل تصور است:  
 الف) یکی اینکه بخشی از قواعد حقوقی و احکام اسلام از وحی گرفته شود و  
 بخشی دیگر از عقل، بطوری که عقل به عنوان منبع مستقلی برای احکام و حقوق  
 اسلامی به شمار رود.

ب) معنای دیگر این است که عقل در برخی موارد، کاشف از احکام شرعی  
 شناخته شود و اعتبار آن تنها از جهت کاشفیت از اراده تشریعی خداوند باشد، نه  
 به عنوان منبع مستقلی برای تشریع و قانونگذاری.

بدیهی است که اسلامی بودن یک نظام، به معنای انتساب آن به خدای متعال و  
 شارع مقدس اسلام نمی باشد. در چنین نظامی، هیچ چیز دیگر به عنوان منبع مستقل،  
 قابل قبول نخواهد بود. بنابراین، معنای صحیح منبعیت عقل برای استنباط احکام اسلام،  
 معنای دوم است. یعنی ارزش و اعتبار عقل، به خاطر کاشفیت آن از حکم شرعی است  
 (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ۶۱).

### معیارهای عقلی

از جمله معیارهایی که عقل به وسیله آنها می تواند کاشف وجود حکم شرعی باشد  
 امور زیر است (محمودی، ۱۳۷۹: ۶۲).

۱. **وجوب مقدمه واجب:** کاری که انجام آن نیازمند مقدماتی باشد، عقل حکم می کند  
 که مقدمه آن نیز واجب است مانند؛ وجوب تهیه مقدمات سفر برای ادای فريضه حج  
 نسبت به شخص مستطیع.

۲. **لزوم تقدم اهم بر مهم:** هرگاه یک کار که از نظر شارع دارای اهمیت است با کار  
 دیگر که مهم تر از آن است تراحم پیدا کند در اینجا عقل حکم می کند که باید کار  
 مهم تر را ترجیح داد و از کار مهم صرف نظر کرد. مثلاً اگر شخصی در خانه ای  
 مشغول نماز باشد و در همان حال در خانه آتش افتاده باشد به گونه ای که اگر نماز  
 را ادامه دهد خانه ویران می شود یا زیان جانی به اهل آن وارد می شود، در این  
 صورت باید حفظ جان و مال را که برای شخص جنبه حیاتی دارد بر ادامه نماز  
 مقدم داشت، نماز را شکست و حریق را خاموش کرد.

۳. **تعمیم حکم به موارد مشابه:** هرگاه حکم شرعی برای چیزی در دلیل وارد از کتاب و سنت معلوم باشد و علت واقعی حکم نیز در کتاب و سنت به‌طور روشن ذکر شده باشد، در این صورت اگر موردی مشابه آن مورد یافتید که حکم آن در زبان دلیل ذکر نشده است، عقل حکم می‌کند که مورد مشابه نیز همان حکم را دارد. مثلاً اگر در حدیث وارد شده که خوردن شراب حرام است زیرا مست کننده نمی‌باشد، عقل به حرمت مست کننده‌های دیگر حکم می‌کند زیرا علت حکم (مست کنندگی) در آنها نیز وجود دارد.

۴. **اثبات حجیت امارات ظنی مستند به علم:** ابتدا توضیح اصطلاحات؛ **حجیت:** قابلیت استناد و مورد اعتماد بودن یک دلیل. **آمارات:** دلایل فقهی برای روشن نمودن واقعیت. مانند بینه (دو شاهد برای اثبات دعوی) یا خبر عادل (حدیثی که شخص عادل از معصوم نقل کرده است). **ظنی:** شک داشتن **مستند به علم:** داشتن پشتوانه علمی.

در توضیح این ملاک باید دانست بعضی از امارات مانند بینه و خبر عادل، به خودی خود علم آور نیستند بلکه ایجاد ظن و گمان می‌کنند و چون ظن و گمان حجت نیست و نمی‌توان به آن اعتماد کرد، این امارات نباید دلیل یک حکم شرعی قرار بگیرند. ولی از آنجا که حجیت و دلیل بودن این امارت از راه ادله قطعی و علمی (مانند حدیث متواتر) اثبات شده است، در این صورت می‌توانند دلیل احکام شرعی واقع شوند زیرا به حکم عقل، هرگاه دلیلی پشتوانه قطعی و علمی داشته باشد هر چند خود خبر جز ظن و گمان محصولی ندارد، اما چون استناد به آن به حکم علم و یقین است می‌تواند مورد اعتماد قرار گیرد.

۵. **تعیین حکم ظاهری در مواردی که تشخیص حکم واقعی ممکن نیست (اصول عملیه):** در مواردی که به خاطر شک نتوان به حکم واقعی دست یافت، عقل با توجه به شرایط و خصوصیات هر مورد حکم ظاهری را تعیین و صادر می‌کند. قواعد و معیارهای عقل برای تعیین احکام ظاهری اصول عملیه نامیده می‌شود. که عبارتند از: